

پراکنش جغرافیایی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

مراد کاویانی راد، استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

اشاره:

برگزاری یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری مشارکتی 73 درصدی در پی داشت که این مشارکت گسترده و نتیجه حضور، در تعارض با بسیاری از تحلیل‌ها و نظرسنجی‌ها قرار داشت. توزیع جغرافیایی پایگاه رأی آوری نامزدها در این دوره از انتخابات تابعی از متغیرهای همانند آرای زادگاهی و زادبومی، وابستگی نامزد به جریان‌ها سیاسی، فاصله گفتمان حاضر با گفتمان منتقد، مناظرات رسانه‌ای و... بود. با توجه به انتخاب آقای دکتر حسن روحانی به عنوان منتخب یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از جهت‌گیری ذهنیت رأی دهندگان، متأثر از رویکرد انتقادی وی و کنش سیاسی رأی دهندگان ایرانی نسبت به هر هشت سال تغییر گفتمان بوده است.

مقدمه

داده‌ها و یافته‌های برآمده از انتخابات مختلف در کشور گویای آن هستند که در ایران برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ظرفیت بالایی در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی، گفتمان‌سازی و جناح‌بندی‌های سیاسی دارد و همه را وادار می‌کند به انگیزه‌های مختلف مشارکت کنند اما از آنجا که نهادهای همبسته‌ساز در قالب سازمان‌ها، نهادها، سمن‌ها و احزاب به هر دلیل، کارایی لازم را ندارند در هر دوره، جریان سیاسی و گفتمان خاصی دست کم بر قوای قانونگذاری و اجرایی حاکم می‌شود. این که هیچ کدام از این گفتمان‌ها تاکنون نتوانسته‌اند پایدار بمانند دست کم نشان دهنده ناتوانی آنها در برآوردن وعده‌ها است. تجارب برگرفته از انتخابات گذشته گویای آن است که تاریخ ماندگاری گفتمان‌ها بین پنج تا شش سال در نوسان است اما چهار ساله بودن قانون دوره‌های انتخابات آن را به هشت سال رسانده است به دیگر سخن، دو الی سه سال آخر، انباشتگی نارضایتی‌ها را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد کیفیت دستیابی جریان نقاد به قدرت تابعی از ماهیت و کارکرد جریان و گفتمان قدرت حاکم است. پس از گفتمان حاکم، گفتمان جریان نقاد حاکم می‌شود و همین روند ظاهراً تداوم خواهد یافت. به نظر می‌رسد دلیل این تداوم این است که جریان حاکم به جای این که برنامه‌ها، خواست‌ها و پسندهای خود را نهادینه کند، تلاش می‌کند، واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود را با خود سازگار کند. چنین روندها و پویس‌هایی طی سه دهه گذشته موجب آشفتگی توزیع جغرافیایی رفتار سیاسی رأی‌دهندگان ایرانی شده است، به طوری که ترسیم الگوی فضایی و به تبع داوری و پیش‌بینی انتخابات پسین را دشوار یا ناممکن کرده است.

وضعیت محیطی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری کشور در تاریخ 24 خرداد با حضور 7/72 درصد واجدان حق رأی برگزار شد. انتخاباتی که کیفیت نتایج آن هم از منظر مشارکت رأی دهندگان و هم فرد منتخب تا چند روز مانده به انتخابات قابل پیش بینی نبود. داده‌ها و قرائن موجود نشان می‌دادند که بر خلاف رویه گذشته، رسانه‌ها اعم از دولتی و بخش خصوصی یا علاقه‌ای به گرم کردن تنور انتخابات نداشتند یا با فشارهایی رو به رو بودند که عطای پرداختن به انتخابات و تبلیغات را به لقای هزینه‌ها و برخوردهای آن بخشیده بودند از سویی حتی تریبون‌های رسمی نیز به جای دمیدن شور انتخاباتی گاه به هشدار گرایش بیشتری نشان می‌دادند. به نظر می‌رسد که تجربیات برخاسته از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بروز این گونه واکنش‌ها بی‌تأثیر نبود. این در حالی بود که شکاف روز افزون برآمده از انتخابات پیشین عملاً در سیاست خارجی کشور را در موضع تدافعی قرار داده بود. بر این اساس نظام، به شدت نیازمند یک تحول داخلی بود که از بن بست موجود برهد اما پیامدهای امنیتی و حیثیتی برخاسته از انتخابات گذشته مسئولان را به کنش و واکنش‌های احتیاط‌آمیز سوق داده بود. بر این اساس، هشدارهای پیش گفته توجیه پذیر به نظر می‌رسید. با این حال، یک ماه مانده به انتخابات مسائلی بروز کرد که نتیجه نهایی انتخابات را به شدت متأثر کرد که از آن میان می‌توان به ناکارآمدی پدیده شیخوخیت در جبهه اصول‌گرایان، ریزش پرشتاب آرای برخی نامزدها، دگرگونی پرشتاب در موضع تحریم انتخابات، نقش رسانه‌های خارجی در شکل‌دهی به ذهنیت مخاطبان، کوشش جریان اصلاح طلبی برای بازگشت به قدرت، عدم ثبت نام نامزد اصلی جریان اصلاح طلبی، عدم احراز صلاحیت هاشمی رفسنجانی و مشایی، نقد برنامه‌های دولت مستقر توسط همه نامزدها و... اشاره کرد. با این حال، تا ده روز مانده به انتخابات شورمندی لازم برای برانگیختن آرای خاموش نتوانسته بود بخش عظیمی از این جمعیت معترض را همراه کند از طرفی عدم احراز صلاحیت هاشمی رفسنجانی بر رخوت موجود افزود. با این حال، طی دو روز مانده به انتخابات جریان رونده و چراغ خاموشی در سطح کنش سیاسی رأی دهندگان بروز کرد که بسیاری از نظرسنجی‌ها و تحلیل‌ها را دگرگون کرد. نخست آنکه جبهه اصلاحات با توجه به تجربیات برخاسته از دوره‌های نهم و دهم و نتیجه نظرسنجی‌ها محمدرضا عارف نامزد خود را به نفع حسن روحانی کنار کشید و به جریان تردید برخاسته از حضور دو کاندیدای منتسب به این جریان پایان داد و شمار زیادی از آرا با توجه به حمایت بزرگان اصلاحات و حمایت هاشمی احراز صلاحیت نشده، پشت سر حسن روحانی تحت عنوان نامزد اعتدال قرار گرفتند. از سوی دیگر جریان اصول‌گرا با توجه به یک دهه حاکمیت و عملکرد پرانتقاد و تعدد نامزدهای انتخاباتی به نوعی در موضع تدافعی قرار گرفت. این در حالی است که داده‌های موجود عمدتاً گویای آن هستند که فرهنگ سیاسی رأی دهندگان ایرانی هر چهار سال رأی به تداوم و هر هشت سال رأی به تغییر گفتمان حاکم داده‌اند از این رو، محتمل‌ترین وضعیت قابل پیش‌بینی دو مرحله‌ای شدن انتخابات بود اما برگزاری انتخابات این بار نیز خط‌پذیری بسیاری از تحلیل‌ها را نشان داد. پس از برگزاری انتخابات، ستاد انتخابات کشور گزارش نهایی این دوره از انتخابات ریاست جمهوری را به شرح زیر اعلام کرد.

نامزد

روحانی

قالیباف

جلیلی

میرقاند

ولایتی

غرضی

مجموع

گرایش سیاسی

اعتدال گرایی اصلاح طلب

اصولگرا

اصولگرا

اصولگرا

اصولگرا

اصولگرا

شمار آرای (میلیون)

18613329

6077292

4168946

3884412

2268753

446015

36704156

توزیع جغرافیایی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات

داده‌های برخاسته از ده دور انتخابات ریاست جمهوری کشور نشان داده‌اند که عواملی همانند آرای زادگاهی، آرای زادبومی، جهت‌گیری نخبگان ناحیه‌گرا، نواحی سنی‌نشین کشور، مسائل معیشتی و... مقوله شدت و ضعف مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری نواحی مختلف کشور را متأثر می‌کنند که در این میان، آرای زادبوم و نواحی سنی‌نشین کشور تقریباً در بیشتر انتخابات از وزن ژئوپلیتیک بالایی برخوردار بوده‌اند. بنا به گفته وزیر کشور در یازدهمین دوره انتخابات نزدیک به 50 میلیون و پانصد هزار نفر واجد شرایط رأی‌دهی بودند که از این میان، نزدیک به 37 میلیون نفر برابر با 73 درصد واجدان شرایط شرکت در انتخابات ریاست جمهوری حضور یافتند. که در ادامه به تشریح توزیع فضایی برخی مؤلفه‌های جغرافیایی اثرگذار در پایگاه رأی‌آوری نامزدها پرداخته می‌شود.

1- آرای زادگاهی

منظور از زادگاه، شهری است که نامزد انتخاباتی متولد آنجا است تقریباً در بیشتر موارد در آن دست انتخابات ریاست جمهوری که یک مرحله‌ای بوده و رئیس جمهور مستقر در دوره دوم ریاستش قرار داشته زادگاه نامزد حاضر، درصد بالایی از مشارکت و حمایت همشهریان را جذب کرده هر چند استثناها هم کم نبوده است. درباره آراء زادگاهی نامزدهای ریاست جمهوری یازدهمین دوره ویژگی‌های جدول زیر قابل توجه است

نامزد انتخاباتی

روحانی

قالیباف

جلیلی

رضایی

ولایتی

غرضی

زادگاه

سرخه

طرقبه

مشهد

لالی

شمیرانات

اصفهان

کل آراء زادگاه

12366

28859

1344182

18199

230248

865867

آرای زادگاهی نامزد

8639

15994

222971

17054

18065

25211

درصد آرای اکتسابی

70

55

17

84

8

3

بر پایه جدول بالا، به ترتیب محسن رضایی، حسن روحانی و محمدباقر قالیباف در زادگاه خود حاضر اکثریت آراء در زادگاه خود شده‌اند. شمار کل آراء به نسبت آراء اکتسابی نامزد انتخاباتی نشان می‌دهد به هر میزان جمعیت زادگاه کمتر باشد به همان درصد آراء افزایش می‌یابد به عبارت تعلق خویشاوندی و تباری نقش بالماتری می‌یابد. هر چند در جدول بالا ذکر نشده اما در هر دو زادگاه لالی و طریقه حسن روحانی در رتبه دوم رأی آوری قرار داشته است. با این حال با توجه به کل آراء مأخوذه در سطح کشور آراء زادگاهی نقش بسیار کم رنگی در کلیت جایگاه نامزد انتخاباتی داشته‌اند.

-2 آرای زادبومی

زادبوم گستره‌ای جغرافیایی است که به واسطه همانندی‌های هویتی ساکنان در بعد زبان، مذهب و تاریخ از گونه‌ای وحدت رویه در کنش اجتماعی و سیاسی برخوردار هستند و این همانندی‌ها در هنگامه‌های خاص آنها را به اشتراک در مواضع نزدیک می‌کنند. در ایران، گستره‌ای از یک یا چند استان همگون از نظر زبان و قومیت درباره نامزد و ژه‌ای که معمولاً جز شخصیت‌ها و چهره‌های ملی است به توافق نانوشته‌ای می‌رسند تا از وی حمایت کنند و معمولاً آن ناحیه پایگاه حمایتی او به شمار می‌رود. در این باره معمولاً رأی‌دهندگان برای رقابت با دیگر نواحی به داوطلب زادبوم‌شان رأی می‌دهند. اوج این وضعیت را در دور نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران می‌توان مشاهده کرد. مسائل ناحیه‌ای در بسیاری از شهرستان‌ها علاوه بر ماهیت سیاسی، جناحی، گاه ماهیتی اقتصادی و توسعه‌ای نیز دارد که عمدتاً درباره عدم سرمایه‌گذاری لازم در زمینه صنعت و پیشرفت اقتصادی است و به هنگام انتخابات برای جلب حمایت و اخذ آرای مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. در مجلس شورای اسلامی نیز شاهد شکل‌گیری فراکسیون‌های ناحیه محور هستیم که از آن طریق به اعمال نفوذ در تصمیمات مجلس می‌پردازند. بیشترین نمود اثرگذاری آرای زادبوم در انتخابات ریاست جمهوری زمانی

است که رئیس جمهور مستقر در پایان دور دوم قرار دارد. در ادامه تأثیر آرای زادبومی بر نتایج یازدهمین دوره انتخابات بررسی خواهد شد.

ناهمزد انتخاباتی

روحانی

قالیباغ

جلیلی

رضایی

ولایتی

غرضی

زادبوم

سمنان

هر سه خراسان

هر سه خراسان

خوزستان و استان های لریشین

شهرستان تهران

اصفهان

کل آرای زادبوم

361207

3952058

3952058

3741583

2862776

2221799

آرای زادبومی نامزد

157133

563068

267955

1383362

316592

59106

درصد آرای اکتسابی

5/43

14

7

37

11

3

بر اساس جدول بالا که مبتنی بر آرا صحیح محدوده‌های زادبومی تدوین شده است به ترتیب حسن روحانی با 5/43، محسن رضایی با 37 و محمدباقر قالیباف 17 درصد در جایگاه اول تا سوم آرای زاد بومی قرار گرفته‌اند. بر پایه نتایج آرای اعلام شده در هیچ یک از زادبوم‌ها، نامزدها نتوانستند بیش از نیمی از آرا را کسب کنند. به نظر می‌رسد که زادبوم حسن روحانی به واسطه جمعیت کمتر و همگون‌تر، درصد بیشتری در حمایت از حسن روحانی را رهبری می‌کند. در خصوص آرای محمدباقر قالیباف و سعیدجلیلی که هر سه خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) زادبوم آنها به شمار می‌رود کم‌اینکه در دوره نخست نهمین دوره ریاست جمهوری خود را نشان داده بود نتوانست برای این نامزد اثرگذار ظاهر شود و در هر سه استان روحانی نفر اول شد. به نظر می‌رسد آرای زادبومی به نوعی برای این دو نامزد سرشکن شده است چنانچه این زادبوم یک نامزد می‌داشت احتمالاً توزیع آرای شکل دیگری می‌یافت و آرای جلیلی به سود قالیباف یا بالعکس هدایت می‌شد. درباره آرای محسن رضایی، به واسطه خاستگاه قومی وی (لر بختیاری)، بخش عمده‌ای از آرای این نواحی به سود وی جذب شده است و تنها نامزدی است که آرای زادبومی او معنادار است و در سه استان مقام نخست را کسب کرد و در دیگر استان‌ها لرنشین دست کم نفر دوم است. به دیگر سخن، در استان‌های خوزستان (واقع شدن زادگاه در این استان)، چهار محال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد به واسطه سکونت بخش قابل توجه اکثریت لر بختیاری نفر اول و به واسطه پیوستگی قومیتی با استان‌های لرستان و ایلام در جایگاه دوم قرار گرفته است. در خصوص آرای علی اکبر ولایتی باید گفت که تهران بر خلاف دیگر استان‌های کشور از نظر جمعیتی مهاجرپذیر و به شدت ناهمگون است دیگر آنکه نیمی از جمعیت این شهر در انتخابات شرکت نکردند و از همه مهم‌تر آنکه رویکرد بخش قابل توجهی از جمعیت تهران ملی محور است تا ناحیه‌گرا. از این رو آرای زادبوم برای علی اکبر ولایتی بی‌معناست. در خصوص آرای سید محمد غرضی اصفهانی‌ها تا کنون نشان داده‌اند که آرای آنها کمتر ماهیت زادبومی دارد به گونه‌ای که مصطفی معین در دوره نهم و محمد غرضی از رقبای خود عقب‌تر افتادند و در این دوره غرضی فقط توانست سه درصد آرای استان را کسب کند.

3- نواحی سنی‌نشین

جمعیت اهل سنت ایران، نزدیک به 10 درصد کل جمعیت ایران برآورد می‌شود که در قالب مذاهب حنفی و شافعی نمود یافته است. از جمله شناسه‌های جغرافیایی اهل سنت ایران ناپیوستگی سرزمینی، ناهمگونی زبانی و تنوع در گرایش‌های

فرهنگی و سیاسی و به دنبال آن تجربیات ناهمساز سیاسی و اجتماعی است. پیروان مذهب حنفیه عمدتاً در قالب ترکمن‌ها در شمال و شمال خاوری کشور و بلوچ‌ها در خاور و به ویژه جنوب خاوری کشور پراکنده‌اند و شافعی‌ها در استان‌های کردستان و باختر آذربایجان غربی و بخش‌هایی از استان‌های هرمزگان و فارس سکونت دارند. در هر کدام از این گستره‌ها جریان‌های سیاسی، گروه‌های مرجع و تا حدودی مطالبات متفاوت هستند. برای نمونه، در انتخابات نواحی اهل سنت حنفی بلوچ، مولوی‌ها به عنوان گروه مرجع، نقش عمده‌ای در جهت‌دهی آرا و گزینش ریاست جمهوری دارند. این در حالی است که در نواحی اهل سنت کردنشین غرب کشور، گروه‌های مرجع تنوع بیشتری دارند که در قالب سه گروه اجزای سیاسی (قانونی و غیرقانونی)، گروه‌های مذهبی و تحصیل‌کردگان دانشگاهی به عنوان گروه‌های مرجع، کارکرد بالایی در ناهمگونی آرا در گزینش داوطلبان دارند. با وجود این، در گستره انتخابات ریاست جمهوری همگونی بیشتری دیده می‌شود. مروری بر انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد معمولاً داوطلبانی که گرایش‌های معتدل‌تری داشته‌اند، از شانس بیشتری در این نواحی برخوردار بوده‌اند. پدیده‌ای که در انتخابات دور یازدهم کاملاً هویدا بود. در استان‌های سیستان و بلوچستان حسن روحانی به عنوان نماینده جریان اعتدال با بیش از 770 هزار رأی نفر اول و محمد باقر قالیباف با بیش از 109 هزار رأی نفر دوم بود که این اختلاف بسیار معنادار است. در استان کردستان نیز حسن روحانی با بیش از 438 هزار رأی نفر اول و محمدباقر قالیباف با بیش از 75 هزار رأی نفر دوم بود که در اینجا نیز اختلاف آرا بسیار معنادار است. در کنار این مسائل هم طرح مسئله اقوام از سوی نامزدها به ویژه حسن روحانی در قالب مفاد بند 9 اطلاعیه اقوام و مذاهب و ادیان ایشان که: تغییر نگاه امنیتی نسبت به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی و تبدیل ساختار و روش‌های سیاسی-امنیتی به نظام مدیریت علمی و کارآمد، به منظور استفاده‌ی بهینه از منابع بکر و سرشار مادی و انسانی این مناطق در این خصوص در جلب اکثریت این آرا بی‌تأثیر نبوده است. روحانی در بیانیه شماره 3 از جمله موضوعاتی که به آنها اشاره کرد تدریس زبان مادری ایرانیان (کردی، آذری، عربی و...) به طور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه‌ها در اجرای کامل اصل 15 قانون اساسی است. او همچنین بر تبعیض وارده بر اقوام و تغییر نگاه امنیتی نسبت به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی نیز تأکید کرد.

نتیجه‌گیری

توزیع جغرافیایی آرا در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تابع طیفی از متغیرها بود. که در این میان ویژگی فرهنگ سیاسی رأی‌دهندگان ایرانی در قالب جامعه هر چهار سال رأی به تداوم و هر هشت سال رأی به تغییر گفتمان حاکم از همه اثرگذاری بیشتری داشت. دیگر آنکه این بار به جز محسن رضایی و حسن روحانی آرای زادبومی متأثر از تعدد نامزدها و نگرش ملی محور کم‌رنگ‌تر از گذشته نمود داشت. و آرای اهل سنت نیز به سان دوره‌های گذشته جهت‌گیری کاملاً اصلاح‌طلبانه داشت. از میان 31 استان کشور حسن روحانی با تفاوت بالایی در 28 استان نفر اول بود. بر این اساس، رویکرد غالب نوعی وحدت رویه در خصوص نه گفتن به گفتمان مستقر و حامیان آن نیز دیده می‌شد که در این میان به حق یا نا حق سعید جلیلی نماینده آن تعریف شد دیگر آنکه در شهر قم که انتظار می‌رفت به واسطه ویژگی‌های خاص خود گفتمان فکری حامی جلیلی برنده باشد حسن روحانی نفر اول شد. از این رو، رأی به تغییر گفتمان هشت ساله مؤثرترین عامل در توزیع جغرافیایی آرای این دور از انتخابات بوده است.